

آنچه پیش روی خوانندگان ارجمند قرار دارد، سلسله مباحثی است برگرفته از دروس خارج فقه آیت الله رشاد تحت عنوان «فقه زیست فناوری»

بسم الله الرحمن الرحيم

## اشاره

جلسه گذشته راجع به برخی ادله کتابی مربوط به کار علمی در قلمرو مهندسی ژنتیک بحث شد. گفته شد ادله قرآنی را می‌توان به گروه‌ها و دسته‌های چندگانه‌ای تقسیم کرد. پاره‌ای از آیات به طور مطلق و به نحو فراگیر و عام در کاوش و پژوهش حوزه زیستی و زیست‌وران و موجودات زنده و کائنات حیّه لسان تجویزی دارند؛ بلکه بشر را در این زمینه تشویق و ترغیب می‌کند.

## سرشت لسانی قرآن کریم

به اختصار به این نکته تفسیری ناشی از سرشت لسانی قرآن اشاره کنم و سپس به توضیح نمونه آیاتی که به کار علمی در خصوص موجودات زیست‌ور تشویق می‌کند برگردم. قرآن کریم به جهت ساختار صوری و محتوایی خود اگر هر موضوعی را که مرتبط با شأن و رسالت این کتاب بزرگ باشد با آن رویکرد مطالعه کرده و مرور کنید این تصور در شما قوت می‌گیرد که گویی این کتاب درباره همین موضوع است یا ثقل مباحث این کتاب مربوط به همین موضوعی است که شما در صدد مطالعه آن هستید و این چیز بسیار شگفت و شگرفی است؛ مثلاً اگر بخواهید وارد بحث از توحید و ذات الصفات باری بشوید از باء بسم الله قرآن که آغاز می‌کنید تا سین ناسی این کتاب مقدس و مبارک فکر می‌کنید این کتاب یکسره الهی‌نامه است؛ چنانکه اگر به قصد انسان‌شناسی و مطالعه سرشت و صفات و امور و شئون انسان وارد مطالعه بشوید باز از همان سوره فاتحه الکتاب (دیباچه قرآن کریم) تا سوره ناس آنقدر مطلب وجود دارد و انبوهی از معلومات و اطلاعات مربوط به انسان و در زمینه انسان‌شناسی در این کتاب مطرح شده که تصور می‌کنید کتاب قرآن انسان‌نامه است و اثری در انسان‌شناسی است؛ چنانکه با موضوع مطالعه جامعه‌شناسی یا حکم‌شناسی یا مباحث علمی و...

بنابراین اگر شما وارد قرآن کریم بشوید از آغاز تا انجام این نامه نورانی مطالب فراوانی را فراچنگ خواهید آورد که مربوط به مطالب و مسائل علمی می‌شود به حدی که بعضی از محققین و مؤلفین کتاب‌هایی تحت عنوان قرآن و علم و با نام‌های مشابه دیگر نوشته اند. گاهی غیر مسلمان‌ها هستند که در این زمینه و با این دست عناوین مطالعه کرده و اثر تولید کردند؛ یعنی کتاب‌هایی وجود دارد که مسیحیانی از این زاویه وارد مطالعه قرآن شدند و دریافتند که در قرآن مطالب علمی شگفت و شگرف گسترده و ژرف بسیاری وجود دارد و مسائل پیچیده و مسائل پیشرفته و ظرائف و طرائف وسیعی در زمینه‌های علمی در قرآن کریم مطرح شده است. در حوزه‌های مختلف مانند مسائل کیهان‌شناسی، مسائل زیستی مربوط به انسان و حیوان و گیاهان، زمین‌شناسی، مطالعه آثار و خواص زمین، کوه‌ها، دره‌ها و دریاها نکات معتنی بهی در این زمینه‌ها که مطالب علمی قلمداد شود- که پاره‌ای از آنها احیاناً جدیداً کشف

شده و بسا در قرآن از بعضی از آیات وعده داده شده که بعضی مطالب هست که بعداً به دست خواهد آمد- تصور می کنید قرآن کریم در این عرصه و زمینه نازل شده است. این سرشت و خصوصیت کتاب الهی است. بنده خودم این را تجربه کردم.

## ادله جواز تحقیق و ژرفکاوی

### قرآن (جواز خاص)

دسته دیگر آیاتی است که کشف سنن حاکم بر خلقت را مطرح می کند که در موارد خاص و ناظر به نوع خاصی از موجود زنده از جواز و بلکه لزوم مطالعه در اسرار خلقت سخن می گوید. از این دست آیات بسیار است و اگر بخواهیم به شمارش آنها بپردازیم قطعاً به صدها آیه بالغ می شود.

آیاتی قهراً مطالعه زیست شناسانه و دانش ورزانه موضوعات معین و موجودات مشخصی را تجویز می کند؛ فقط یک ترغیب عمومی و کلی برای مطالعه مطلق موجودات در قرآن مطرح نیست بلکه نسبت به موارد مختلف از جمله راجع به زیستوران و موجودات زنده قرآن کریم ترغیب به مطالعه و پژوهش می کند.

بنابراین از نگاه قرآن کریم مطالعه زیست شناسانه مجاز و مباح است؛ بعد از این مسئله سخن راجع به این است که اگر ما مطالعه کردیم و کشف سنن و قوانین شد و به اسرار پی بردیم آیا مجاز به استخدام این سنن و قواعد و قوانین زیستی هستیم یا نه (که همان زیست فناوری میشود).

در بررسی آیات زیستورانه قبلاً در یکی از جلسات به آیاتی از سوره واقعه تمسک کردیم؛ جایی که فصول ۱۰ و ۱۶ گانه ای را که موضوع هریک مسئله مهندسين ژنتیک بود و از جمله آن ساحات، ساحت کلام والهیات بود، آن جا اجمالاً به این آیات اشاره کردیم.

- «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ قُلُوبًا تَذْكُرُونَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ» (واقعه، ۵۷ تا ۷۳)

آیات قبل و بعد هم کاملاً با همین آیات هماهنگ و در پیوند است. در این آیات قرآن کریم پرسش می کند آیا شما این مایعی که از مردها خارج می شود را دیده اید؟ آیا شما آن را آفریده اید و یا کلاً خلقی انسان را که ماده اولیه اش این مایع هست را شما انجام دادید یا ما خالق هستیم؟! شما که می دانید فرآیند پیدایش انسان چگونه است؛ اعتراف کنید که این فرآیند را شما هدایت می کنید یا ما آفریننده هستیم؟ که قطعاً ما آفریننده ایم. در عین حال که ما با این فرآیند، حیات انسان را آغاز و ادامه می دهیم با یک فرآیند و واقعه ای نیز این حیات را به پایان می بریم. ما نه تنها حیات را بلکه موت نیز به دست ماست و کسی هم نمی تواند در این زمینه بر ما پیشی بگیرد یا احیاناً کسی بر ما پیشی نگرفته است؛ یعنی حیات و ممات اگر به دست ما جریان پیدا می کند این بی پیشینه است و ما می توانیم امثال شما را دوباره بیآوریم یعنی در نشئه و حیات دیگر شما را از نو زنده کنیم، وجود شما را انشاء کنیم زمانی که از آن مطلع نیستید (یعنی قیامت)؛ و وقتی ممکن است فرآیندی را برای پدید آوردن شما به عنوان موجودات زنده برتر طی کنیم که این کار را انجام داده ایم و شما هم بخشی

از آن را مطلع هستید و مشاهده می کنید، آیا فکر می کنید دیگر نمی توانیم همین فرآیند را تکرار کنیم؟! یعنی نشئه دیگر و قیامت را برپا کنیم؟ که می توانیم.

این آیات اشاره ای به مسائل زیستی و فرآیند حیات و ممات بود.

- آیات بعدی از آیه ۶۳ اشاره به موضوع زراعت اشاره می کند که شما آنچه را که کشت می کنید آیا ملاحظه می کنید. آیا شما کشت و زراعت می کنید و می رویانید یا این ما هستیم که می رویانیم؟! حقیقتاً ما زارع و رویاننده ایم، ما این هسته و حبه و دانه را سبز می کنیم و این در حالی است که ما می توانستیم چنین نکنیم. ما می توانستیم به عکس این فرایند عمل کنیم؛ یعنی به جای اینکه این خصلت هسته را که وقتی در شرایطی قرار می گیرد سبز بشود بر عکس این هسته نبود شود ولی چنین نکردیم که اگر می خواستیم {لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا} ما می توانستیم چنین کنیم که کلا به پوسانیم و بخشکانیم و متلاشی کنیم، لاشیء کنیم.

- آیه ۶۹ راجع به آب می فرماید {أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ} آیا آبی را که می نوشید دیده اید. آیا این آب را شما از ابرهای باران زا و باران خیز می بارانید یا این ما هستیم؟! اگر ما می خواستیم غیر این می کردیم {لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا} این آب نوشیدنی شیرین که شما از آن بهره می برید و دوام سلامت و حیات شما در گرو استفاده از آنست این را می توانستیم اُجاج (تلخ) و ناگوار قرار بدهیم.

در روایتی دیگر منسوب به حضرت رسول (ص) آمده که می توانستیم این را شور، تلخ و ناگوار کنیم ولی شیرین و گواراست. آیا این شما هستید که چنین می کنید یا ما هستیم که در طبیعت این خصوصیات و این نظام علی معلولی را قرار دادیم.

راجع به آتش سخن گفته می شود. شما آتشی را که برمی افروزید آیا شما هستید که آن ماده و وقود آن را فراهم می کنید و خاصیت سوختن را در آن قرار دادید و آن آتشگیره ای که مثلاً نزدیک به کنده ای می شود و این حالت به وجود می آید را شما به وجود آوردید یا ما انجام دادیم؟!

### نکات زیست فناوریانه سوره واقعه

در این آیات چند نکته هست که قابل طرح است که در جهت بحث به چند نکته اشاره می کنیم. نکته اول قوانین طبیعت تابع قواعد الهی (نظام علی معلولی)

خدای متعال آنچه را که در طبیعت بر اساس جعل و قوانین موضوعه او جریان پیدا می کند به خودش نسبت می دهد؛ یعنی حتی آنچه را که در طبیعت در جریان است و تصور می کنیم که این طبیعت است که خود به خود در آن این اتفاقات می افتد اینها را می فرماید من انجام دادم. این به چه معناست؟ این قهراً به این معناست که این صورت قضیه را نبینید بلکه سیرت مطلب را ببینید. ظاهر را نگاه نکنید باطن را بنگرید. در باطن این من هستم که عالم را اداره می کنم ولو اینکه قوانین و قواعدی گذاشتم و نظام علی-معلولی را وضع کردم که در بستر علی-معلولی و بر اساس این قواعد و سنی که وضع کردم این اتفاقات می افتد ولی تحت اراده من است. پس جعل این قواعد از خلق علت و از اعمال این قواعد همگی به من برمی گردد. «أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ»، «نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ»، «أَمْ نَحْنُ زَارِعُونَ»، «لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا»، «أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ»، «لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا»، «أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ» اینها می گویند ما هستیم یا شما هستید.

در واقع همه این کارها را ما انجام می‌دهیم و تلویح به اینست که ما برای این امور و شئون علت حقیقی هستیم زیرا قاعده علّیت را ما قرار دادیم، خالق علّت ما هستیم، مُنَفَّذِ قوانین و به جریان‌افکننده قوانین و سنن حاکم نیز ما هستیم. همه اینها بر حسب مشیت تکوینیه ما جریان پیدا می‌کند و اگر ما اراده نکرده بودیم نه علّیتی معنا داشت، نه علّتی به وجود می‌آمد، نه جریان قوانین علّی- معلولی جریان پیدا می‌کرد؛ بلکه ما می‌توانستیم بر خلاف کنیم. می‌توانستیم به جای اینکه مثلاً آب را شیرین و گوارا قرار بدهیم، شور و تلخ قرار دهیم چنانکه در سراسر عالم انبوه آب‌هایی هستند که خاصیتی این چنینی دارند و دریاهایی هستند که قرآن هم به آن اشاره کرده که از یک نقطه‌ای شیرین و گواراست و از یک نقطه‌ای شور و تلخ و ناگوار است.

### نکته دوم انسان و طبیعت واسطه اراده الهی

در عین حال به نقش عامل صاحب اراده مثل انسان در مسائل مربوط به نسل و نیز نقش عامل غیرصاحب‌اراده یعنی طبیعت در مسائلی در همین آیات اذعان می‌شود. در مسائل «نسل» به نقش و کارکرد عامل صاحب اراده یعنی انسان اعتراف شده و در مسائل انزال ماء از ابر و برافروختن آتش اینجا نقش عناصر طبیعی ملاحظه شده و به آن اذعان شده است؛ ولیکن معلوم است وقتی می‌گوییم علّیت نظام علّی-معلولی مجعول ماست، علّیت اراده ماست، علّت مخلوق ماست و قهراً معلول هم مخلوق ما خواهد بود اعمال این فرآیند نظام علّی-معلولی از قَبْلِ ماست. وقتی این بحث‌ها مطرح می‌شود تکلیف علّی واقعی و حقیقی روشن می‌شود اما در عین حال ما در همین نظام علّی معلولی فرآیندهایی را تعریف کردیم و عناصری را حق دخالت دادیم به مثابه مُعَدَّات که عوامل صاحب اراده مانند انسان و عوامل غیرارادی مانند طبیعت چنان ابزارهای ما و مُعَدَّات عمل می‌کنند.

### نکته سوم پدیده‌ها نظام‌مندند

می‌توان گفت ما با یک فرآیندی و در چهارچوب طور و اطراری این عالم را اداره می‌کنیم. همان‌طور و اطراری که به نمونه‌هایی از آن در همین آیات اشاره شده است. مثلاً با این فرآیند که دریا بخار شود و ابر تشکیل شود و باد بوزد و این ابر به سمتی هدایت شود بعد ابر در جایی متراکم شود و فعل و انفعالاتی اتفاق بیفتد و سرانجام قطرات آب یا تگرگ فرود بیاید به هر حال این مسائل باید اتفاق بیفتد و همه اینها مُعَدَّات هستند و بالنتیجه انسان در این میان نقش آفرینی می‌کند.

اینجا قرآن کریم به این حیث و نکته می‌خواهد اشاره کند که طورهایی که ما در آن‌ها این فعل و انفعالات را انجام می‌دهیم و این اتفاقات می‌افتد و این پدیده‌ها پیدا می‌شود اما این به این معنا نیست که ما دستان بسته است. ما این فرآیندها را جعل کردیم و آن فرآورده‌ها را پدید می‌آوریم. ما می‌توانستیم و می‌توانیم و یا می‌شود که با فرآیندهای دیگری همین پدیده‌ها پدید آیند یا فرآورده‌های دیگر و محصولات دیگری پدید بیایند. این هم باز به نظر می‌رسد که نکته‌ای است که قرآن کریم در این آیات به آن اشاره می‌کند و می‌گوید اگر حتی به شکل دیگری هم اتفاقات جریان پیدا کند باز به تعبیری، ما پشت صحنه هستیم یعنی اگر آب به جای اینکه شیرین و گوارا باشد شور و تلخ می‌شد هم باز ما انجام داده‌ایم و می‌توانیم چنین کنیم. پس بنابراین طرز و طور دیگری هم از ما برمی‌آید و در این عالم به جای آنچه که عادت کردید و مشاهده می‌کنید و دیده‌اید خلاف آن هم می‌تواند اتفاق بیفتد و در آن هم باز نظام علّی معلولی مجعول ما و وضعی ما جریان پیدا خواهد کرد.

### نکته چهارم خلق دنیا نشانه آخرت

در این آیات آمده وقتی ما قادریم این نشئه اولی و این خلقت اولیه و این حیات کنونی را پدید بیاوریم نظیر آن را هم می‌توانیم. می‌توانیم نشئه دیگری را یعنی برزخ و قیامت را هم ایجاد کنیم و شما را در عالم برزخ با حیات برزخی و با جسم برزخی در عالم قیامت

با حیات قیامی و جسم قیامتی شما را از نو به منصفه حیات بیاوریم و بنشانیم زیرا أدلّ الدلیل علی إمكان شیء وقوعه؛ و وقتی ما یکبار توانستیم این کار را انجام دهیم برای بار دیگر هم می‌توانیم همان را تکرار کنیم.

### نکته پنجم فناوری خلقت در ذرات قابل تکثیر

این آیات تصریح می‌کند که إنشاء انسان کامل و حیوان کامل را می‌توانیم انجام دهیم و همچنین نباتی را با همان ویژگی‌هایی که دارد از یک ماده خیلی جزئی، کامل به وجود بیاوریم. در واقع این یک تلویح به این نکته است که اگر مثلاً مجموعه آنچه که در قالب یک انسان تمام، به منصفه ظهور می‌رسد و متولد می‌شود و رشد کرده و بالغ و کامل می‌شود همه اینها در یک ذره نهفته است؛ یک ذره قابلیت تکثر و توسعه خویش را از ذره ناچیزی که به چشم غیرمسلح دیده نمی‌شود تا انسان تمام عیار ارتقاء پیدا کند؛ و در گیاه هم همین نکته مطرح است. این نکته در واقع به نحوی تلویح به امکان إنشاء از سلول‌های بنیادین هم هست. سلول‌های بنیادین در واقع به همین معناست که زیست‌شناس سلول بنیادی را با فناوری و فرآوری و طی فرآیندهای حیاتی خاص به لحاظ علمی به یک انسان کامل و حیوان کامل و گیاه کامل می‌رساند.

نکته ششم جواز تکثیر این فناوری که در این آیات به آن اشاره شد.

### نکته هفتم امر به غوررسی در خلقت

این نکته جمع‌بندی نکات است هرچند بعضی از این نکات مستقیماً به بحث ما مربوط نمی‌شود ولی مجموعه نکات این مطلب را القاء می‌کند که این آیات نوعی فراخوان فراگیر پیوسته و بی وقفه‌ای است که خطاب به انسان صادر شده که عالم را مطالعه کنید، اسرار عالم را کشف کنید، قوانین و سنن موضوعه و مجعوله ما را در این عالم کشف کنید و به دست بیاورید و با تدبر عقلی و پژوهش تجربی در خلقت با همه انواع و مراتب آن (یعنی مرتبه انسانی را در این آیات ذکر فرمود، مرتبه گیاهی، درختی، نباتی را ذکر فرمود، در مرتبه جمادی (غیر زنده) آب را ذکر فرمود، در مرتبه جامدات گنده درخت و آتش افروزه را ذکر فرمود) در همه اینها مطالعه کنید؛ و به این معناست که این آیات به غوررسی و ژرف‌کاوی در کائنات و موجودات زنده و غیرزنده جواز مطلق می‌دهد و ظاهر این آیات اینست که بعدها ببینیم آیا قیدها و تخصیص‌هایی هم وجود دارد یا نه؛ ولی فعلاً این آیات بر همان مدعای اول و پاسخ مسئله اول است که ما مطرح کردیم اینکه آیا می‌توان گفت در حوزه زیست و فرآیندهای زیست‌ورانه علی‌الإطلاق مجاز به کاوش و کوشش و پژوهش و تحقیق هستیم تا به فناوری زیستی قادر بشویم یا نه. بلکه می‌توان گفت این آیات صریح است در اکتشاف سنن حاکم به انواع خلایق و اسرار مستتر در عالم؛ لازم است که وارد شویم و گویی علاوه بر ترغیب، یک نوع تکلیف هم بر عهده ما هست که برای شناخت خدا، برای شناخت مبداء و برای شناخت معاد به این امر بپردازیم. آیات بسیاری از این دست در قرآن کریم هست که می‌توان به آنها تمسک کرد. ما فهرست آن را در متن آورده‌ایم.

و صلّ الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین